

## در همبستگی با مبارزات خستگی‌ناپذیر بازنشستگان کشور!

در ماه‌های اخیر، روزی نیست که به دلیل شدت‌گیری و گسترش فقر و فلاکت و سرکوب در سطح جامعه صدای فریاد اعتراض و دادخواهی کارگران و ستمدیدگان علیه حاکمیت از هر گوشه‌ی کشور شنیده نشود. از کارگران و پرستاران تا معلمین و معلولین که دست به تجمعات اعتراضی می‌زنند تا دانشجویان و دانش‌آموزان که اعتراض خود به وضع موجود را در اشکال گوناگون نشان می‌دهند. خلاصه هر روز در هر گوشه‌ای از کشور شاهد اعتراض مردمان تحت ستم و رنج‌دیده ایران هستیم. البته این در شرایطی است که قدرت دولتی حاکم حتی حاضر نیست صدای آنها را بشنود چه رسد به این‌که پاسخ‌گویی مطالبات بر حق‌شان باشد.

در میان سیل پر خروش تجمع و اعتراض جاری در سراسر ایران، تجمعات بازنشستگان از زوایایی برجستگی خاصی یافته است. این قشر ستمدیده که همگی عمری را در اشتغال به کاری گذرانده، سال‌ها رنج کشیده و در تمام سال‌هایی که کار می‌کردند بخش قابل توجهی از حقوق‌شان را به عنوان حق بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای بیمه‌ای مشابه پرداخته‌اند، اکنون در شرایط سلطه هولناک گرانی و تورم و عدم دریافت حقوق مکفی هر روز بیشتر به سوی خط فقر پرتاب می‌شوند. در نتیجه روزی نیست که بازنشستگان زن و مرد در استان‌های مختلف و شهرهای گوناگون دست به تجمع نزده و فریاد اعتراض سر نداده باشند. کارگران بازنشسته که پس از سال‌ها رنج و زحمت انتظارشان این است که حقوق بازنشستگی‌شان به موقع پرداخت شود در میان دیگر بازنشستگان رنج‌دیده هر چه بیشتر کمرشان در زیر تورم افسارگسیخته جاری خم گشته است. در حالی‌که بر اساس قوانین خود رژیم حقوق بازنشستگی آنان می‌بایست در حدی پرداخت گردد که در دوران پیری که طبعاً با بیماری‌های این دوران از عمرشان هم عجین است از عهده مخارج زندگی برآمده و بتوانند بقیه عمر خود را در آرامش به سر ببرند.

تنها نگاهی به برخی از شعارهای بازنشستگان به عنوان بخشی از آحاد جامعه رنج‌دیده ایران نشان می‌دهد که رژیم حاکم چگونه حق و حقوق آنها را پایمال سیاست‌های ضد مردمی خود نموده است. وقتی بازنشستگان در تجمع روز ۱۲ آذر خود در تهران در مقابل نهاد ریاست جمهوری فریاد می‌زدند "خدمت صادقانه، پاداش ظالمانه" به روشنی نشان می‌دادند که چگونه دولت به عنوان مسئول اصلی رسیدگی به شرایط زندگی آنها با نقض حقوق طبیعی آنها ظلم و ستم را در حق‌شان اعمال نموده و به این طریق "پاداش" عمری تلاش و کار "صادقانه" را به بدترین شکل ممکن علیه آنها روا داشته است. به همین دلیل هم هست که بازنشستگان در کرمانشاه فریاد می‌زدند "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت" و سپس اضافه می‌کنند "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" که البته این فریاد حق‌طلبی سر دادن با این شعار پر معنا همراه بود "یا حق یا حق، بزن گردن ناحق". این شعار به واقع نشان‌دهنده خواست قلبی همه کارگران و ستمدیدگان ایران می‌باشد و بیانگر آن است که این قشر ستمدیده کاملاً بر ماهیت ضد مردمی قدرت حاکم و ضرورت "زدن گردن" آن آگاه می‌باشد، بازنشستگانی که جهت حق‌طلبی خود مجبور شده‌اند روزهای خاصی از هفته را به تجمع اعتراضی

خود اختصاص بدهند. در این میان باید از بازنشستگان شرکت مخایرات نام برد که مدت‌هاست هر دوشنبه برای رسیدن به خواسته‌های‌شان دست به تجمع می‌زنند. اما باز هم شرکت مزبور از تامین خواسته‌های بر حق آنها سر باز می‌زند.

بازنشستگان می‌دانند که مسئولان رژیم حاضر به برآوردن خواسته‌های بر حق آنها نیستند ولی بر این باورند که اگر قرار به رسیدن به مطالبات‌شان باشد باید با برگزاری تجمع اعتراضی در خیابان حضور یابند و افکار عمومی را متوجه وضعیت نابسامان حیات و معاش خود سازند. بیهوده نیست که خیل بازنشستگان در سراسر کشور فریاد می‌زنند "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

با توجه به تورم و گرانی سرسام‌آور قیمت کالاهای مورد نیاز مردم، طبیعی است که عمده‌ترین خواست همه بازنشستگان دریافت مستمری مکفی باشد که معیشت آنها را تامین نماید. این در حالی است که خود وابستگان حکومتی اعتراف می‌کنند که سبد معیشت به حدود ۲۷ میلیون تومان در ماه رسیده است. در چنین وضعی روشن است که بازنشسته قادر نیست با مستمری دریافتی‌اش که چندین بار کمتر از خط فقر می‌باشد زندگی خود و خانواده‌اش را تامین نماید. در این میان حتی سازمان تامین اجتماعی که با اخذ بخشی از حقوق خود کارگران شکل گرفته است برخی بیماری‌ها را پوشش نمی‌دهد. در نتیجه یکی دیگر از خواسته‌های کارگران تضمین بیمه تکمیلی است که در جاهایی هم که وجود دارد، در خیلی از مواقع پاسخ‌گوی نیازهای درمانی بازنشستگان و خانواده‌های‌شان نمی‌باشد. درست بر این مبناست که بازنشستگان مبارز و آگاه ما در تجمعات خود به درستی فریاد می‌زنند: "بیمارستان ملی، حق مسلم ماست".

درست در راستای مواجه شدن با محرومیت‌های بسیار و قادر نبودن به تامین معیشت و مطالبات مربوط به این امر حیاتی است که بقیه مطالبات بازنشستگان مطرح می‌شود. خواسته‌هایی همچون "یکسان‌سازی حقوق" و یا "اجرای آیین‌نامه" که هر کدام از این خواسته‌ها اگر متحقق شوند تا حدودی مستمری آنها را افزایش خواهند داد. در برخی از تجمعات و برای نمونه در ارومیه، بازنشستگان شعار می‌دادند "اجرای آیین‌نامه، حق مسلم ماست" که منظورشان از این آیین‌نامه همانا آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۴ قانون خدمات کشوری، مصوبه سال ۱۳۸۹ در خصوص وظایف قابل واگذاری و نحوه خرید خدمات از بخش خصوصی است که به موجب آن "تا برطرف شدن موانع واگذاری"، ارائه خدمات به نیروی کار کماکان به عهده دستگاه اجرایی، یعنی دولت می‌باشد. اما با این‌که بیش از ۱۴ سال از تصویب این آیین‌نامه می‌گذرد و در طی این فاصله هزاران بار بازنشستگان کشور خواهان اجرایی شدن آن شده‌اند، همچنان در بر پاشنه سابق می‌چرخد و در این سال‌ها نه دولت به وظایف خود عمل کرده و نه موانع مورد نظر در این آیین‌نامه برطرف گردیده است! و به همین دلیل هم هنوز هم پس از ۱۴ سال بازنشستگان چه کارگری و چه غیر کارگری مجبورند خواهان اجرای آن شوند تا به این وسیله گوشه کوچکی از حق خود را باز یابند. این مورد که در قانون حقی برای ستمدیدگان تعیین شده ولی حکومت با اعمال دیکتاتوری و قلدرمنشانه آن را مورد تعرض قرار داده است نشانگر این درس روشنگرانه است که در شرایط جامعه ایران که سیستم سرمایه‌داری وابسته بر آن حاکم است هیچ حقی از تعدی قدرت دولتی در امان نیست، چرا که دیکتاتوری ذاتی سیستم سرمایه‌داری وابسته می‌باشد.

از آنجا که تامین معیشت، مطالبه اصلی این قشر ستمدیده بوده و هزینه‌های درمانی نیز بخش بزرگی از بودجه خانواده بازنشسته را می‌بلعد و بار بزرگی بر دوش بازنشستگان می‌باشد در تجمعات بازنشستگان

شعار "مطالبات پزشکی، حق مسلم ماست" به وفور شنیده می‌شود، به طور مثال در تجمع بازنشستگان در سندج، مرکز استان کردستان بازنشستگان رنج‌دیده شعار فوق را فریاد می‌زدند.

تازه در اوضاعی که هم قیمت دارو شدیداً افزایش یافته و هم بیمه خیلی از بیماری‌ها و داروها را پوشش نمی‌دهد، دولت پزشکیان در نظر دارد در چهارچوب بودجه سال آینده "ارز ترجیحی" دارو را حذف نماید. این امر به طور طبیعی باعث افزایش سرسام‌آور قیمت دارو شده و این امر زندگی کارگران و کل بازنشستگان را هر چه بیشتر در فقر و فلاکت غوطه‌ور می‌سازد. توجه به سخنان یک کارگر بازنشسته \_که خبرگزاری ایلنا نیز آنرا منعکس نموده\_ شرایط زندگی کارگران و بار افزایش قیمت دارو بر زندگی آنها را هر چه بیشتر روشنی می‌بخشد.

"ایلنا به نقل از یک کارگر بازنشسته که دارای فرزندی مبتلا به بیماری خودایمنی است، گزارش داد که او «پس از ۳۰ سال کارگری» باید ماهانه «تا یک سوم حقوق» خود را صرف تهیه داروهایی کند که علاوه بر مشمول نبودن در بیمه پایه، با محدودیت شدید سقف بیمه تکمیلی هم مواجه است". ایلنا اضافه کرده است: "این کارگر بازنشسته، گران‌تر شدن دارو را منجر به مرگ فرزندش خوانده و گفته است: نه چیزی برای فروش دارد، نه درآمدی که بتواند صرف کند". برای این که به عمق فاجعه‌ای که در خانواده‌های کارگری در جریان است بیشتر پی ببریم لازم است گفته‌های کارگر مزبور که نشریه دولتی را هم مجبور به درج آنها کرده است را با ادعای وزیر بی سر و پای تعاون، کار و رفاه اجتماعی جمهوری اسلامی \_احمد میدری\_ مقایسه کنیم که مدعی شد "صندوق‌های بازنشستگی عامل تورم در ایران هستند" و گفت "۵۰ درصد کسری بودجه در سال ۱۴۰۳ که باعث تورم ۴۰ درصدی شده، به خاطر کمک دولت به صندوق‌های بازنشستگی است". این وزیر بی سر و پا به عمد فراموش کرد که بگوید اتفاقاً برداشت‌های غیر قانونی دولت‌ها از سازمان تامین اجتماعی و صندوق‌های بازنشستگی عامل بحرانی شدن شرایط این صندوق‌ها می‌باشد. او نگفت که در شرایطی که دولت حاضر نیست بدهی خود را به این صندوق‌ها بپردازد سردمداران دغلكار جمهوری اسلامی و از جمله خود وی باید هم، بازنشستگان کشور را عامل تورم موجود جلوه دهند تا سیاست‌های تورم‌زای دولت لاپوشانی گردد.

همه واقعیات برشمرد در فوق به نوبه خود آشکار می‌سازند که جمهوری اسلامی به مثابه رژیم وابسته به امپریالیسم و حافظ نظام سرمایه‌داری در ایران مساله‌اش تامین نیازهای توده‌های ستمدیده نیست. همگان شاهد هستند که این رژیم کارگستیز به جای تامین نیازهای اساسی مردم ایران بخش بزرگی از بودجه کشور را صرف کمک به نیروهای نیابتی‌اش در لبنان و یمن و سوریه و عراق و ... می‌کند، امری که تماماً در خدمت پیشبرد سیاست‌های اربابان امپریالیست وی در منطقه قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی بقای خود را نه در حمایت مردمی بلکه در تقویت نیروهای سرکوب خود جست‌وجو می‌کند.

در برابر چنین رژیم ناهق و سرکوبگر و خونریز است که بازنشستگان در کرمانشاه خواست مقابله با این رژیم جهت سرنگونی آن را با چنین شعاری بیان نمودند: "یا حق یا حق، بزن گردن ناهق".

به امید آن روز که با اتحاد همه ستمدیدگان ایران و بُرنده‌تر کردن شمشیر مبارزه علیه سرمایه‌داران و جمهوری اسلامی حامی آنان کارگران و زحمت‌کشان به رهایی از شرایط ظالمانه حاکم دست یابند.